



نامه سرگشاده به موبوتو سسه سوکو

نامه سرگشاده به موبوتو سسه سوکو



توانا
TAVANA

آموزشکده آنلاین
برای جامعه مدنی ایران

e-collaborative

for civic education



آموزشکده آنلاین
برای جامعه مدنی ایران

<http://www.tavaana.org>

پروژه

e-collaborative
for civic education

<http://www.eciviced.org>

نامه سرگشاده به موبوتو سسه سوکو

Open Letter to Citizen Mobutu Sese Seko

مترجم: آموزشکده توانا (آموزشکده الکترونیکی برای جامعه مدنی ایران)

ناشر: E-Collaborative for Civic Education

عکس روی جلد: Mobutu Sese Seko by Mieremet, Rob / Anefo

© E-Collaborative for Civic Education 2019

e-collaborative for civic education

ECCE (E-Collaborative Civic Education) یک سازمان غیرانتفاعی در ایالات متحده آمریکا، تحت 501c3 است که از فن آوری اطلاعات و ارتباطات برای آموزش و ارتقای سطح شهروندی و زندگی سیاسی دموکراتیک استفاده می کند.

ما به عنوان بنیانگذاران و مدیران این سازمان اشتیاق عمیق مشترکی داریم که شکل دهنده ایده های جوامع باز است. همچنین برای ما، شهروند، دانش شهروندی، مسئولیت و وظیفه شهروندی یک فرد در محافظت از جامعه سیاسی دموکراتیک پایه و اساس کار است؛ همان طور که حقوق عام بشر که هر شهروندی باید از آن ها برخوردار باشد، اساسی و بنیادی هستند. ECCE دموکراسی را تنها نظام سیاسی قادر به تأمین طیف کاملی از آزادی های شهروندی و سیاسی برای تک تک شهروندان و امنیت برابری و عدالت می داند. ما دموکراسی را مجموعه ای از ارزش ها، نهادها و فرایندها می دانیم که مبشر صلح، توسعه، تحمل و مدارا، تکررگویی و جوامعی شایسته سالار است که به کرامت انسانی و دستاوردهای انسانی ارجح می گذارند.

ما پروژه اصلی ECCE یعنی «آموزشکده توانا: آموزشکده مجازی برای جامعه مدنی ایران» را در سال ۲۰۱۰ تأسیس کردیم. آموزشکده توانا در ارایه منابع و آموزش در دنیای مجازی در ایران، یک نهاد پیشرو است. توانا با ارایه دوره های آموزشی زنده در حین حفظ امنیت و با ناشناس ماندن دانشجویان، به یک جامعه آموزشی قابل اعتماد برای دانشجویان در سراسر کشور تبدیل شده است. این دروس در موضوعاتی متنوع مانند نهادهای دموکراتیک، امنیت دیجیتال، حقوق زنان، وب نویسی، جدایی دین و دولت و توانایی های رهبری ارایه می شوند. آموزشکده توانا آموزش زنده دروس و سمینارهای مجازی را با برنامه هایی مثل مطالعات موردی در جنبش های اجتماعی و گذارهای دموکراتیک، مصاحبه با فعالان و روشنفکران، دستورالعمل های خودآموز، کتابخانه مطالب توصیفی، ابزارهای کمکی و راهنمایی برای آموزشگران ایرانی و حمایت مداوم و ارایه مشاوره آموزشی برای دانشجویان تکمیل کرده است.

تلاش ما برای توسعه توانایی های آموزشکده توانا متوجه گردآوردن بهترین متفکران ایرانی و صداهای حذف شده است. به همین ترتیب، به دنبال انتشار و ارتقای آثار مکتوب روشنفکران ایرانی هستیم که ایده های آنان در جمهوری اسلامی ممنوع شده است.

یکی از نقاط تمرکز تلاش توانا، ترجمه متون کلاسیک دموکراسی و مقالات معاصر در این باره و نیز ترجمه آثار مرتبط با جامعه مدنی، حقوق بشر، حاکمیت قانون، روزنامه نگاری، کنشگری و فن آوری اطلاعات و ارتباطات است. امید ما این است که این متون بتواند سهمی در غنای فردی هموطنان ایرانی و بساختن نهادهای دموکراتیک و جامعه ای باز در ایران داشته باشد.

سپاسگزار بازتاب نظرات و پیشنهادهای شما

مریم معمارصادقی

اکبر عطری

M. Memar Sadeghi

Akbar Attari

مقدمه

زئیر تا سال ۱۹۶۰ که به استقلال دست یافت مستعمره بلژیک بود و کنگو بلژیک خوانده می‌شد. نام این کشور پس از آن که به استقلال رسید به جمهوری دموکراتیک کنگو تغییر کرد. در سال ۱۹۶۵ دولت وقت با یک کودتای نظامی به رهبری ژنرال موبوتو سسه سوکو سرنگون شد و روند ملی‌سازی و ملی‌گرایی آغاز شد. در سال ۱۹۷۱ نام جمهوری دموکراتیک کنگو به زئیر تغییر کرد. موبوتو مخالفت با حزب جنبش مردمی برای انقلاب را، که خود بنیانگذار آن بود، بر نمی‌تابید؛ دولت به شدت مطبوعات و رسانه‌ها را کنترل می‌کرد و کسانی که از رئیس جمهوری انتقاد می‌کردند بازداشت و محبوس می‌شدند.

در دسامبر ۱۹۸۰ سیزده نفر از نمایندگان مجلس قانون‌گذاری در نامه‌ای سرگشاده به رئیس جمهور موبوتو وعده‌هایی را که وی برای اصلاحات داده بود با وضعیت آن روز کشور مقایسه کردند. آن‌ها از موبوتو به دلیل ناکامی در برقراری یک نظام سیاسی مردم‌سالار، سوءمدیریت اقتصادی، اغماض در مبارزه با فساد فراگیر در دولت و وخامت کیفیت زندگی و رفاه مردم به شدت انتقاد و یادآوری کردند با وجود این که زئیر از حیث منابع طبیعی کشوری غنی است مردم این کشور قربانی سوءتغذیه و فقر هستند. کمی بعد از انتشار این نامه، سیزده نفری که آن را امضا کرده بودند بازداشت شدند و مصونیت پارلمانی از آن‌ها سلب شد. همگی آن‌ها به مدت یک تا پنج سال از حقوق مدنی و سیاسی خود محروم و در داخل کشور تبعید شدند و برخی در خانه‌هایشان تحت نظر قرار گرفتند. در تابستان ۱۹۸۲ دوازده نفر از امضاکنندگان این نامه سرگشاده به اتهام

تلاش برای تشکیل یک حزب جدید سیاسی دوباره محاکمه و یک ماه بعد به ۱۵ سال حبس محکوم شدند.

در ماه مه ۱۹۹۰ رئیس جمهور موبوتو اعلام کرد منع ۲۰ ساله‌ای را که بر فعالیت احزاب سیاسی مخالف وضع کرده بود رفع می‌کند و مقدمات برگزاری انتخابات را فراهم می‌آورد. با وجود این کم‌تر از یک هفته بعد نیروهای نظامی به راه‌پیمایی‌ای که از سوی یکی از احزاب مخالف ترتیب داده شده بود حمله کردند و تعدادی کشته شدند. مخالفان حکومت از جمله شماری از کسانی که نامه‌ای را امضا کردند، که بخشی از آن را در زیر می‌خوانید، باور نداشتند که موبوتو حاضر است به مخالفان اجازه دهد به فعالیت سیاسی بپردازند یا از نظام تک‌حزبی و حکومت تک‌نفره او انتقاد کنند.

[در این نامه موبوتو به عنوان یک شهروند، رئیس و بنیان‌گذار حزب جنبش مردمی برای انقلاب مخاطب قرار گرفته است. برای احتراز از طول کلام، ما در ترجمه متن عنوان او را فقط رئیس ذکر کرده‌ایم.]

نامه سرگشاده به موبوتو سسه سوکو

جناب رئیس!

در نطقی که در اول ژوئیه ۱۹۷۷ در مقر حزب در نسهله^۱ ایراد کردید ضمن یادآوری این نکته که صدای مردم اغلب خاموش شده است یا اگر شنیده می شود غالباً خیلی دیر شنیده می شود چنین فرمودید:

«جنبش مردمی برای انقلاب، یک حزب دموکراتیک است، نه یک حزب استبدادی. مردم زئیر باید بتوانند انتقادات سازنده خود را مطرح کنند زیرا به باور من هر انتقادی که از روی واقعیت گرایی مطرح شود همانا بخشی از تمرین دموکراسی است. انتقاد فقط زمانی جنبه براندازی به خود می گیرد که مخفیانه، فریبکارانه و مخرب باشد.»

اجازه دهید برای اولین بار از این آزادی دموکراتیک که به طور علنی به رسمیت شناخته‌اید استفاده کنیم؛ اجازه دهید با استفاده از این آزادی مستقیم شما را مخاطب قرار دهیم. از آنجا که مشکلاتی که در این نامه سرگشاده مطرح می شود مربوط به عموم مردم است به باور ما شایسته است به آنها توجهی درخور شود.

جناب رئیس! اظهاراتی که در این جا ابراز می‌شود نه از سر هجو است و نه به قصد دادخواهی؛ صرفاً بازتاب دغدغه‌های روزمره زندگی ما ست و پرسش‌هایی است که به طور طبیعی در رویارویی با وضعیت زندگی امروزمان و بیانات علنی شما مطرح می‌شود....

جناب رئیس! در ۲۴ نوامبر ۱۹۶۵ به دنبال یک کودتای نظامی تصمیم گرفتید شخصا رهبری کشور را عهده‌دار شوید. توجیهاتی که در آن زمان ارائه شد، تا آن جا که نقش ذاتی مردم را انکار نمی‌کرد، ما را نسبت به احساسات میهن‌دوستانه شما مجاب کرد و باور کردیم آرزومند رهبری ملت جوان و بزرگ ما به سوی سعادت و رفاه هستیم. در ۱۲ دسامبر ۱۹۶۵ ... در استادیوم ۲۰ مه در حضور ملت ضمن مطرح کردن کیفرخواستی سنگین، تحلیلی بس پراهمیت از وضعیت سیاسی، اقتصادی، مالی و اجتماعی کشور ارائه کردید. کلام شما بر قلوب حساس اثر بخشید و اعتماد و هیجان مردمی را، که به تازگی از سلطه طولانی استعمار آزاد شده بودند، به شخص شما جلب کرد و برانگیخت و امیدی مشروع را بار دیگر در دل آن‌ها زنده کرد. از آن زمان پانزده سال سپری شده است ...

جناب رئیس! با وجود این که در خلال پانزده سالی که شما بدون شریک و بلامنازع حکومت کرده‌اید دورانی را تجربه کرده‌ایم که طی آن از رفاه برخوردار بودیم (بین ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۰)، و از آن بابت به شما تبریک می‌گوییم، باید اذعان کنیم که از آن زمان تا کنون کشور به نحوی فزاینده و در همه زمینه‌ها در وضعیت نگران‌کننده‌ای قرار گرفته است اولین اقدامی که جنبش مردمی برای انقلاب، که خود را یک حزب دموکراتیک می‌خواند، به آن مبادرت کرد نادیده گرفتن یکی از بنیادی‌ترین و طبیعی‌ترین حقوق مردم یعنی آزادی در انتخاب بود. جنبش مردمی برای انقلاب هوادارانش را به زور به عضویت حزب در می‌آورد.^۱ یکی از شعارهای حزبی که این جنبه اجباری عضویت را به وضوح آشکار می‌کند چنین است: «بخواهی یا نخواهی، عضو جنبش مردمی برای انقلاب هستی.»^۲

متأسفانه این اولین ضربه‌ای که به آزادی وارد شد نهادینه شد. بر همه کس مسلم است که آزادی عزیزترین دارایی هر انسان و موهبتی خداداد است که هیچ رهبر دنیوی حق سلب آن را ندارد و هیچ مردمی حق انصراف از آن را ندارند. جان ملتون در باب آزادی چنین نوشت:

۲- شهروندان همگی به طور اتوماتیک از بدو تولد به عضویت حزب در می‌آمدند.

3- "Olinga olinga te, ozali MPR".

«آزادی ما متعلق به سزار [امپراتور روم] نیست، بلکه موهبتی است که یزدان به ما اعطا کرده است و با آن زاده شده‌ایم. آزادی ما از سزار نشئت نمی‌گیرد و به خاطرش مرهون او نیستیم؛ بنابراین آن را در پای او گذاشتن عملی است بس نکوهیده و تحقیرآمیز نسبت به ذات خودمان.»

جناب رئیس! رسانه‌ها را در نظام‌تان ملی کرده‌اید و تلاش‌های عدیده‌ای را که برای آزاد کردن آن‌ها صورت گرفت ناشینده گرفته یا مردود شمرده‌اید. نشریات خارجی وارداتی سانسور می‌شوند. اگرچه این ممیزی به هیچ وجه مثر نیست؛ زیرا دستگاه‌های امنیتی روزنامه‌ها یا مجلاتی که در آن‌ها از کشور انتقاد شده است (یا اطلاعاتی که در آن‌ها درج شده دقیق است ولی موجبات شرمساری دستگاه رهبری می‌شود) را توقیف می‌کنند و همان نشریات بازداشت‌شده را به بهای گزاف می‌فروشند. آنان که این نشریات به دست‌شان می‌افتد با انتشار گسترده این مقالات آن‌ها را به همگان می‌رسانند ...

جناب رئیس! شما که یک سیاستمدار پرتجربه‌اید بی‌تردید می‌دانید تصورشدنی نیست که ۲۵ میلیون مردم این کشور همگی از روی اعتقاد، مبارز هوادار جنبش مردمی برای انقلاب باشند. تکلیف عضو شدن در جنبش مردمی برای انقلاب حتی قبل از تولد و چه شهروندان بخواهند یا نخواهند مردم را به برده مبدل می‌کند، نه انسان آزاد. این امر در درجه اول نقض اراده الهی است. علاوه بر آن چنین کاری نقض بیانیه نسه‌له و همه بیاناتی است که در باب دموکراسی و آزادی ایراد کرده‌اید.

به شما اطمینان می‌دهیم که شمار قابل توجهی از مردم ما به‌حق هوادار جنبش مردمی برای انقلاب نیستند. به گمان ما بسیاری از همکاران شما هم، با در نظر گرفتن شیوه‌ای که آن‌ها را به استخدام خود در می‌آورید، بیش از آن مردم به این حزب باور ندارند. حال اگر واقعا معتقدید اکثریت مردم هوادار واقعی جنبش مردمی برای انقلاب هستند ما به این باور تسلیم می‌شویم و پیشنهاد می‌کنیم شما که با حمایت اکثریت مردم حکومت را در دست دارید پس بیایید و حق اقلیت را به وجود داشتن، به آزادانه ابراز عقیده کردن و به‌خصوص به برخورداری از حمایت دولت به رسمیت بشناسید. اگر این‌طور عمل کنید مطابق همان ایده آل دموکراتیکی رفتار کرده‌اید که بارها درباره‌اش صحبت کرده‌اید. تازمانی که مخالفان حق ابراز نظر نداشته باشند همه کوشش‌های شما بی‌حاصل خواهد ماند و نظم و آرامش واقعی به کشور و به قلوب مردم راه پیدا نخواهد کرد.

در گذشته فرموده‌اید که یک نفر به تنهایی قادر نیست یک‌تنه همه کارها را انجام دهد. حتی امروز رسانه‌ها، اگرچه با قدری بیم و هراس، می‌گویند که «رئیس جمهور شعبده‌باز نیست و به تنهایی نمی‌تواند کاری انجام دهد...». فقدان حمایت مردم محسوس است و جلب آن حمایت تا زمانی که اصرار به «یکه‌تاز» بودن داشته باشید، تا زمانی که مردم زئیر را به منزله رمه‌ای گوسفند تلقی کنید، تا زمانی که همانند بلژیکی‌های استعمارگر بیندیشید و حتی بیش‌تر از آن‌ها تصور کنید می‌توانید علی‌رغم میل مردم، سعادت و بهروزی آن‌ها را تامین کنید هرگز برای شما امکان‌پذیر نخواهد بود.

به راستی مردم زئیر، که برای آزادی و دموکراسی هزینه سنگینی پرداخت کرده‌اند، کماکان بر این باورند که کشورشان باید با نهادهای دموکراتیک اداره شود ...

این‌که امروز بگویید و به دنیا اعلام کنید که برقراری یک حکومت دموکراتیک و تشکیل نهادهای دموکراتیک در زئیر امکان‌پذیر نیست همانند ادای موعظه در باب نظریه تفاوت‌های نژادی و همانا پیروی از مرتجعان دوران «خوش» استعمار است که مثلاً اعتقاد داشتند سیاه‌پوستان قابلیت فراگرفتن ریاضیات یا علوم انتزاعی را ندارند ...

جناب رئیس! شما اغلب در سخنرانی‌های عمومی‌تان فی‌البداهه مطلبی را عنوان می‌کنید و در این کار توانایی خارق‌العاده‌ای دارید، اما به عنوان یک سیاستمدار مکلفید روانشناسی توده مردم را مد نظر داشته باشید. توسل به عوام‌فریبی برای تهییج توده‌ها برای شما آن‌چنان فریبنده است که به سختی می‌توانید از فرصت‌هایی که برای این کار پیش می‌آید صرف نظر کنید. بارها به‌سهو مطلبی را ابراز کرده‌اید. چطور ممکن است همه این بیانی‌ها مرام حزب باشند بدون آن‌که معیاری برای تمییز وجود داشته باشد؟ چطور انتظار دارید هرچه می‌گویید نص صریح قانون شود؟

علاوه بر آن، این‌که شما با سخنرانی‌های خود قوانین عادی کشور و قانون اساسی را مدام تغییر می‌دهید پذیرفتنی نیست. زیردستان را وادار می‌کنند بیانی‌های رئیس جمهور را به منزله قانون معتبر بشناسند؛ حتی زمانی که این اظهارات برای منافع عموم خطرناک است. این اظهارات حتی قبل از آن‌که اصلاحات لازم در مواد مربوطه در قانون صورت بگیرد اجرا می‌شود و این کار را این‌طور توجیه می‌کنند که انقلاب سریع‌تر از متون انقلابی پیش می‌رود.

این تعبیر، جملگی خودسرانه است و تا زمانی که وضع بدین منوال باشد کشور قانون‌مندی که جنبش مردمی برای انقلاب داعیه آن را دارد به منصف ظهور نخواهد رسید

در این‌جا ترجیح می‌دهیم وضعیت موجود را از زبان خود شما، که بعد از ۱۲ سال

حکومت یک‌تنه و بلامنازع با فصاحتی برتر از هر گفتار دیگری تشریح کردید، بیان کنیم:

«نمی‌توان اجازه داد وضعیت طوری باشد که یک خارجی یا یک شهروند این کشور با دیدن یک قاضی یا یک پلیس به جای این که احساس امنیت کند وحشت سراپایش را بگیرد؛ غالب اوقات افراد بی‌گناه قربانی بی‌عدالتی می‌شوند؛ در حالی که مقصران واقعی آزادانه و گردن‌فرازانه جولان می‌دهند.»

امروز وضعیت به همان منوال است. تصمیمات قضایی که به محکومیت دولت یا نهادهای دولتی به جرم خلاف کاری در ارتباط با شهروندان می‌انجامد بلااجرا باقی می‌ماند. آیا چنین برخوردی، اداره صحیح دادگستری است؟ آیا حکومت تابع همان ضوابط معنوی و مقرراتی نیست که شهروندان تابع آنند؟ اگر دولت تابع آن ضوابط و مقررات نیست، پس چه کسی باید الگوی شهروندان شود؟

نکته دیگر آن که مدتی است زئیر در صحنه بین‌المللی و به دلایلی بسیار موجه در فهرست کشورهای گنجانده شده است که حقوق بشر در آن‌ها رعایت نمی‌شود. کشور ما را به دلیل محاکمات پیش‌بینی‌ناشدنی، فقدان رویه قضایی، نقض حقوق اشخاص ثالث، بی‌توجهی به مصونیت بدنی، بازداشت‌های خودسرانه، زندان‌هایی که در آن‌ها شرایط غیر انسانی بر زندانیان تحمیل می‌شود و غیره تقبیح کرده‌اند ...

فساد یکی از موارد گله‌مندی شما از رهبران جمهوری اول^۴ و به احتمال قوی یکی از عواملی بود که کفه ترازو را به نفع کودتای ۲۴ نوامبر ۱۹۶۵ سنگین‌تر کرد.

ما درصدد آن نیستیم که رهبران سیاسی آن زمان را توجیه و از مسئولیت میرا کنیم. مورخان بالاخره یک روز به خطاکاری‌های آن‌ها خواهند پرداخت. آنچه ما به یاد داریم این است که در آن روزها مخالفان حکومت وقت بسیار هوشیارانه و سختگیرانه ناظر بر اوضاع بودند؛ فقط به افشا کردن بسنده نمی‌کردند بلکه با اعمال سانسور از اخلاق عمومی حراست می‌کردند.

اما امروز می‌توان گفت که فساد، دزدی، رشوه و طمع کاری به اوج خود رسیده است؛ حتی می‌شود گفت این‌ها نهادینه شده است. این کشور هرگز تا این اندازه غارت

۴ - First Republic یا جمهوری اول به دوران ۱۹۶۰ - ۱۹۶۵ اطلاق می‌شود که پس از استقلال کنگو از بلژیک، این کشور جمهوری اول کنگو خوانده می‌شد.

نشده بود و مردمش هرگز تا این حد استثمار نشده بودند. گاه رسانه‌های خارجی وقتی رسوایی‌ها از حد می‌گذرد جزئیات هشداردهنده‌ای در این باره منتشر می‌کنند. علی‌رغم محرمانه بودن اطلاعات بانکی و سانسور مطبوعات، امروز بر هیچ شهروند عادی‌ای پوشیده نیست که رهبران سیاسی این کشور جزء ثروتمندترین مردم دنیا هستند ...

جناب رئیس! ما به استاد گفتار خودتان توجه داریم که شما نه فقط یک دموکرات هستید بلکه، باز هم به استاد گفتار خودتان، آن‌ها که به دموکراسی پای‌بند هستند مخالف‌اند کسی در تمام عمرش در مقامی باقی بماند ...

امروز که ساختار جنبش مردمی برای انقلاب را بررسی می‌کنیم مشکل بتوان به این نتیجه رسید که شما به دنبال آن نیستید که مقام ریاست جمهوری را برای همیشه حفظ کنید یا دست‌کم کاری کنید که به طور متوالی به این سمت برگزیده شوید.

اجازه بدهید صرفاً به وضعیت شخص شما از دیدگاه قانونی پردازیم: شما یا فراسوی قانون اساسی هستید که در آن صورت رهبر بلامنازع کشور با اختیارات نامحدود برای ایجاد یا انهدام نهادها و انسان‌ها هستید؛ یا از آن اختیارات صرف نظر می‌کنید تا مطابق قانون اساسی رفتار کنید ولی همزمان در سمت رئیس حزب جنبش مردمی برای انقلاب، رئیس کنگره حزبی و دفتر سیاسی حزب، رئیس شورای عالی اجرایی، رئیس شورای قضایی و، با تفویض اختیارات، رئیس شورای قانون‌گذاری باقی می‌مانید. آیا بعد از همه این‌ها می‌توان شما را یک دموکرات خواند؟

با تغییراتی که اخیراً در ساختار جنبش مردمی برای انقلاب داده شده است و پس از آن که آنچه را در گذشته داده بودید پس گرفتید امروز [جنبش مردمی برای انقلاب] تبدیل به «تشکیلات یک‌نفره» یا بهتر بگوییم آشاخه مرکزی تصمیم‌گیری» شده است و [شما] فراسوی همه ارگان‌های حزبی قرار دارید و اختیارات بسیار وسیع‌تری (اگر نگوئیم اختیارات بسیار خطرناک‌تری) در امر تصمیم‌گیری از آن شما است؛ چون حزب در این کشور فراسوی دولت است. به تشخیص خودتان تصمیم گرفته‌اید برخی اختیارات را، که ما نمی‌دانیم کدام اختیارات هستند، بر عهده نگیرید و آن اختیارات را به کمیته مرکزی واگذار کرده‌اید. اما رئیس کمیته مرکزی خود شما هستید. این کمیته، که یکی از وظایف آن معرفی نامزد احراز مقام ریاست جمهوری است، متشکل از افرادی است که خود شما منصوب و معزول می‌کنید. اعضای این کمیته مکلفند قبل از احراز سمت در کمیته، به شما، نه به حزب و نه به قانون اساسی، به شخص شما سوگند وفاداری یاد کنند ...

در خلال ملاقات دفتر سیاسی حزب در نشست دوشنبه ۱۱ اوت ۱۹۸۰ اعلام کردید

که شاخه جدیدی در حزب تشکیل شده است که کمیته اجرایی جنبش مردمی برای انقلاب خوانده می‌شود. به عبارت دیگر از حالا به بعد زئیر دو شعبه اجرایی خواهد داشت: یک شعبه اجرایی در حزب و یکی در دولت. شما که هم‌اکنون رئیس شورای اجرایی دولت هستید نمی‌توانید در کمیته اجرایی حزبی سمت کم‌اهمیت‌تری داشته باشید. خلاصه کلام این که شما رئیس کشور، رئیس و بنیانگذار حزب، رئیس کنگره، رئیس «تشکیلات یک‌نفره»، رئیس کمیته مرکزی حزب، رئیس کمیته اجرایی حزب، رئیس دفتر سیاسی حزب، رئیس شورای قانون‌گذاری (با تفویض اختیارات) و صاحب سمت‌های دیگر هستید.

تصور نمی‌کنید تمرکز این همه اختیارات در دست یک نفر و از عهده این همه تکلیف به طور همزمان برآمدن، بیش از توان یک فرد باشد؟ ...

ما به خوبی به حساسیت شما به درستکاری و حقیقت آگاهیم. اما شما که به اراده خودتان مسئولیت رهبری کشور ما را به عهده گرفتید، بدیهی است که باید انتظار می‌داشتید یک روز با چنین واکنش‌هایی مواجه شوید. ما پانزده سال است که از شما اطاعت کرده‌ایم. به خاطر شما و برای رضایت شما در این سال‌ها چه کار که نکرده‌ایم؟ خواندیم، رقصیدیم، همه با سرزندگی، و همه طور تحقیر و خواری - حتی استعمارگران این همه تحقیر و خواری بر ما تحمیل نکردند - را به خاطر شما به تن خریدیم و تحمل کردیم. همه این‌ها را تحمل کردیم تا شما بتوانید الگویی اجتماعی را که طرح و پیشنهاد کرده بودید، یا حداقل بخشی از آن را، اگر نه تمامش را، به ثمر برسانید. آیا موفق شدید؟ نه، افسوس که نشدید!

اکنون پس از پانزده سال حکومت مطلقه شما، ما در مقابل دو جناح کاملاً متمایز گیر کرده‌ایم. در یک سو اقلیتی کوچک که از امتیازات ویژه برخوردار است و به نحو جنجال‌برانگیزی ثروتمند است و در سوی دیگر توده عظیم مردم که در فقر و بدبختی غوطه می‌خورند و برای بقا فقط به کمک‌های بین‌المللی متکی هستند؛ و هر بار که کمک‌های خارجی به زئیر می‌رسد پولدارها ترتیبی می‌دهند تا با دستبردزدن به کالاهای ارسالی به سود خود از آن‌ها منتفع شوند!

این بی‌اعتنایی [به مردم] تا به آن حد پیش رفت که برخی، بدون یک لحظه تأمل، جیره‌گذاری را که به سربازانی تخصیص داده شده بود که در جبهه شباه می‌جنگند

۵- Shaba یا «شبا» نام استانی در جنوب شرق زئیر است که در سال‌های ۱۹۷۷-۱۹۷۸ صحنه جنگ‌های جدایی‌طلبانه نیروهایی بود که در دوران جنگ سرد با حمایت شوروی، کوبا و آلمان شرقی از آن‌گولا وارد زئیر شدند.

تصاحب کردند. خود شما در یک گردهمایی که در استادיום ۲۰ مه برگزار شد به این مطلب اذعان کردید.

با در نظر گرفتن همه آنچه گفته شد مایلیم بار دیگر تاکید کنیم که با خشونت مخالفیم و به امکان یافتن راه حل‌های صلح‌آمیز از طریق مذاکرات توأم با احترام متقابل - که متضمن اتحاد، صلح و تمامیت ارضی کشور باشد - باور داریم؛ به ویژه به راه حل‌هایی که حس برادری را در میان مردم برانگیزد - که بدون آن ساختن این کشور بزرگ در قلب آفریقا غیرممکن خواهد بود.

در این نامه تلاش کردیم نشان دهیم که شما چگونه بدون هیچ انگیزه ظاهری و بدون هشدار قبلی از وعده‌هایی که در بیانیه‌ای که در کودتای ۲۴ نوامبر ۱۹۶۴ صادر کردید و در آن اعتقادات خود را به آگاهی ملت رسانید عدول کرده‌اید.

آنچه در بالا ثابت کردیم نشان می‌دهد بیماری‌های اجتماعی-اقتصادی‌ای که به درستی منجر به کودتای شما شدند مغلوب نشده‌اند؛ بلکه کاملاً برعکس، وضعیت چنان حادث‌تر شده است که امروز، علی‌رغم آنکه به صلح دست یافتیم و ناآرامی سیاسی در داخل کشور مرتفع شده است و با وجود آن که هم از منابع داخلی و هم از منابع خارجی امکانات قابل توجهی در اختیار شما بوده است، ما در کار خود درمانده‌ایم

جناب رئیس! اجازه بدهید در پایان بگوییم که تلاش برای به زور و به هر تمهیدی خود را جاودانی کردن - از مصادره قدرت گرفته تا وجهه قدیس به خود دادن تا نام‌گذاری خیابان‌ها و استادیوم‌ها به نام خود، نزدیکان و غیره - خیالی عبث و هدفی دست‌نیافتنی است.

به راستی فقط تاریخ می‌تواند جاودانگی را به انسان‌ها ببخشد. کتاب مقدس هم همین درس را به ما می‌دهد (اکلیسیس، بخش دوم).

شما که پانزده سال بدون شریک حکومت کردید و اغلب افرادی را گرد خود جمع کردید که آن‌ها هم «یکه‌تاز» و منصوب خودتان بودند، افرادی که صرفاً نماینده شخص خودشان و گاهی نماینده خارجیان در کشور ما بوده‌اند، ما را به تونلی کشانده‌اید که پایان آن را فقط خودتان می‌توانید ببیند. شما ما را به یک سیاه‌چال ژرف برده‌اید.

بدتر از همه، شما ما را مردودشمردن مستمر هر تدبیری که می‌توانست به راستی کشور و نهادهای آن را دموکراتیزه کند و با تحمیل یک اتحاد ظاهری برای پنهان کردن ناآرامی‌ها مانع از آن شدید که مردم فرصت تمرین دموکراسی و تبادل آزاد و

۶- «Ecclesiastes, Chapter 2» نام یکی از بخش‌های عهد عتیق (تورات) است که گفته می‌شود زندگی‌نامه سلیمان، پادشاه اورشلیم، است از زبان خود او که دریافت بود عمرش به تباهی رفته است.

مسالمت‌آمیز افکار مختلف را پیدا کنند و با یکدیگر به رقابت سازنده بپردازند؛ در حالی که تمرین این هر سه مهم امری ضروری است.

تا کنون مشهودترین نتیجه این سیاست‌ها این بوده است که تعداد قابل توجهی از هموطنان ما تنها راه ابراز عقاید سیاسی خود را در تبعید و دست‌به‌اسلحه‌بردن یافته‌اند. اما بدترین پیامد ناشی از رژیم شما که دموکراسی را منکوب می‌کند این است که به گفته خودتان کشور در معرض خطر هرج و مرجی سیاسی و اجتماعی قرار گرفته است که به مراتب از وضعیتی که به قدرت رسیدن شما به آن خاتمه داد وخیم‌تر است؛ زیرا مردم عادت به شرکت در مباحثات را از دست داده‌اند و نخبگان حتی قادر به یک گفت و شنود و درمیان گذاشتن نظرات خود با مردم در آرامش، نیستند.

شاید هنوز برای شما فرصتی باقی باشد تا روند رویدادها را در جهتی مطلوب تغییر دهید.

جناب رئیس! زئیر متعلق به ۲۵ میلیون مردم این کشور است. میلیون‌ها نفری که ما قانونا نماینده آن‌ها هستیم به اهدافی که ما داریم نظر مساعد دارند و همانند ما بر این عقیده‌اند که این کشور نیازمند یک تغییر بی‌درنگ و اساسی است که می‌بایست قبل از آن که خیلی دیر شود روی دهد.

این تغییر مستلزم دگرگونی ساختارهای کشور و عملا اعطای حقوق کامل سیاسی و دموکراتیک به خصوص آزادی عقیده و آزادی مطبوعات است.

برای آن‌که این اصلاحات مفید و دیرپا باشد لازم است اول یک گفت‌وگو ملی میان نه فقط منتخبان مردم، بلکه نمایندگان منتخب همه گروه‌های سیاسی - با هر اندیشه‌ای که دارند - صورت بگیرد و سپس اقدام به انجام این اصلاحات شود.

ما از هم‌اکنون بر این باوریم که اگر مقامات اجازه دهند مردم آزادانه نظرات خود را ابراز کنند اکثریت قریب به اتفاق مردم، از طریق نمایندگانشان، خواهان اصلاحات سیاسی گسترده‌ای هستند که مشمول موارد زیر است:

- ۱- وظیفه اصلی و خطیر دولت زئیر می‌بایست تامین رفاه و سعادت همه مردم در این کشور باشد، نه فقط گروهی کوچک از برگزیدگان.
- ۲- جان و مال اتباع این کشور باید از گزند قدرت خودسرانه مقامات مصون باشد.
- ۳- قانون اساسی و قوانین عادی کشور باید به طور همسان و بدون هیچ‌گونه تمایزی از حیث مقام یا موقعیت اجتماعی، در مورد آحاد افراد این کشور جاری و ساری باشد.
- ۴- تشکیلات سیاسی کشور ما باید متکی بر اتفاق نظر حقیقی مردم (نه آنچه ادعا

- می‌شود) و تحقق آرمان‌های عمیق توده مردم باشد. این مهم فقط با تحقق دموکراسی موثر در کشور امکان‌پذیر خواهد بود.
- ۵- دموکراسی در کشور ما زمانی کارآمد خواهد بود که نمایندگان مردم در ارکان سیاسی دولت توسط مردم و از طریق انتخابات آزاد برگزیده شوند.
- ۶- مرکزیت بخشیدن و تمرکز اختیارات در دست یک فرد می‌بایست بلادرنگ متوقف شود.
- ۷- تفکیک و تقسیم قوا در میان ارکان سیاسی حکومت باید دقیقاً در چارچوبی صورت بگیرد که در قانون اساسی تعریف شده است.
- ۸- کارآمدی و بازدهی کلیه ارکان حکومت مستلزم نظارت بر این ارکان در کلیه سطوح، از پائین به بالا، است.
- ۹- قوه مجریه باید به طور کامل تحت نظارت شورای قانون‌گذاری، که اعضای آن منتخب مردم هستند، قرار گیرد.
- ۱۰- دموکراتیزه‌شدن واقعی نظام و تضمین موثر حقوق انسانی، مستلزم آزادی رسانه‌های دسته‌جمعی است. روزنامه‌ها، رادیو و تلویزیون کشور باید در خدمت همه مردم باشد. برای این که این رسانه‌ها فقط در خدمت گروهی جریحه‌ساز نباشد تکثرگرایی در جراید، مطبوعات و رسانه‌ها شرط لازم است. مبارزه با دروغ همانا تقابل آن با روایت متضاد است، که این خود توجه دیگری بر نیاز به تکثر در مطبوعات و رسانه‌های عمومی است.

